

## واکاوی مبانی فقهی اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی<sup>۱</sup>

فاطمه جوادی<sup>۲</sup>، سیدمهدی صالحی<sup>۳</sup>، سیدمهدی قریشی<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۴/۱)

### چکیده

در این تحقیق تلاش بر این است که با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به حکومت اصل برائت در فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایران، این دیدگاه که جرم پول‌شویی یکی از مصادیق اماره مجرمیت است بر چه دلایل و مبانی فقهی استوار هست؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، دلایل اصول فقهی همچون تقدم اماره بر اصل، تعمیم حکم، قیاس اولویت و بناء عقلاء با تکیه به کاربردترین مصادیق فقهی اماره مجرمیت که عبارت از قسامه است بررسی می‌گردند و ملاک‌هایی که در بحث قسامه یافت می‌شود با جرم پول‌شویی تطبیق داده می‌شود. با توجه به مبانی فقهی می‌توان صدق عنوان اماره مجرمیت را در جرم پول‌شویی مورد پذیرش قرارداد.

**واژگان کلیدی:** اصل برائت، اماره مجرمیت، پول‌شویی، قسامه، لوث.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکترا با عنوان تبیین مبانی فقهی و حقوقی اماره مجرمیت و عدول آن از اصل برائت می‌باشد.

۲. دانشجوی دکترای رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)؛

Email: fateme.javadi@azaruniv.ac.ir

Email: sm.salehi@urmia.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه؛

Email: sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

۴. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه؛

## ۱. بیان مسئله

یکی از اصول پذیرفته شده‌ی حقوق کیفری در بیشتر کشورها، اصل برائت است و آثار آن به نفع متهم به اجرا درمی‌آید؛ اما در برخی جرایم آثار اصل برائت به صورت معکوس اجرا می‌شود و متهم باید بی‌گناهی خود را در ارتکاب جرم به اثبات برساند. این جرایم که در پژوهش‌های متعدد به نگارش درآمده‌اند [۳۶؛ ۵۹؛ ۶۳؛ ۶۷] مصادیق اماره مجرمیت شمرده شده‌اند.

جرم پول‌شویی یکی از جرایمی است که در چند دهه اخیر رشد فراوانی داشته است و چون جرم مذکور در بیشتر موارد ناشی از جرایم دیگر است و هم می‌تواند منشأ و تشویق‌کننده برای ارتکاب جرایم دیگر همانند قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، اسلحه، تروریسم، آدم‌ربایی و دیگر جرایم باشد [۳۰، صص ۲۱۲-۲۱۸؛ ۴۳، صص ۳۱-۶۵]؛ در نتیجه آسیب‌های زیادی به اقتصاد و امنیت جوامع وارد می‌کند [۴۳، صص ۹۳-۱۱۴]. این امر سبب شده است که کشورهای مختلف در قوانین داخلی خود و در قوانین بین‌المللی اصل برائت را در مورد متهمان پول‌شویی اعمال نکنند و اماره مجرمیت را جایگزین اصل برائت نمایند.

سؤال اساسی این است که آیا در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران بر جریان اماره مجرمیت در پول‌شویی تأکید شده است؟ علت اینکه در قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷ به‌صراحت از اماره مجرمیت و تسهیل بار اثبات دلیل در جرم پول‌شویی بحث شده است، چیست؟ چه دلایل و مبانی ایجاب می‌کند که جرم پول‌شویی مصداق اماره مجرمیت باشد؟ در برخی پژوهش‌ها [۶؛ ۷؛ ۲۶] مبانی حقوقی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت ذکر شده است که عبارت‌اند از: امنیت‌گرایی، حفظ عدالت کیفری، تساوی سلاح‌ها، حفظ منافع جامعه و ...؛ اما در هیچ پژوهشی، مبنا و دلایل فقهی برای این بحث ذکر نشده است و تنها از مصادیق فقهی اماره مجرمیت که عمدتاً بحث قسامه و فراخواندن شبانه مقتول از منزل است بحث شده است؛ با توجه به اینکه بیشتر قوانین جاری در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی فقهی و اسلامی تدوین شده است و در فقه اسلامی اصل صحت، قاعده درأ و اصل برائت بر دیگر قواعد حاکم می‌باشد باید به این سؤال پاسخ داد که آیا مبانی فقهی برای جریان اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی وجود دارد؟

## ۲. اماره مجرمیت

### ۱. مفهوم شناسی اماره مجرمیت

برای شناخت اماره مجرمیت ابتدا به شناخت مفهوم اماره مجرمیت پرداخته‌شده تا در ضمن آن مقصود از اماره که برخی نویسندگان از آن تعبیر به فرض<sup>۱</sup> کرده‌اند مشخص شود. اماره در لغت به معنای علامت، نشانه، وقت و وعده‌گاه آمده است [۲، ج ۴، ص ۳۲؛ ۱۶، ص ۶۰۳؛ ۴۴، ج ۳، ص ۲۱۱]. از دیدگاه فقها، اماره به راه‌هایی گفته می‌شود که کاشف و حاکی از واقع هستند ولی کشف و حکایت آن‌ها ناقص است و به مرتبه علم نمی‌رسد، اما اعتبار شارع، آن نقص را جبران می‌کند [۲۳، صص ۱۷۸ و ۲۸۷؛ ۶۵، ج ۱، ص ۱۵۵]؛ بدین ترتیب اماره یقین‌تبعی است [۴۸، ج ۳، ص ۱۱۷؛ ۶۴، ص ۵۵۷] تائید شارع برای اماره حجیت جعل می‌کند [۲۶، ص ۲۷۵؛ ۶۲، ج ۱، ص ۱۵۴]؛ بنابراین اگر ظن‌هایی وجود داشته باشد و به دلیل عدم علم یقینی قابل‌اعتماد نباشد؛ اما شارع و قانون‌گذار آن ظن را تأیید نماید، می‌تواند به‌عنوان دلیل اثباتی قابل استناد باشد. آنچه در حجیت و اعتبار اماره، موردنظر می‌باشد «افاده ظن نوعی و شأنی» است [۶۵، ص ۳۷۴]. «ظن نوعی» آن است که (اماره‌ای) شأنی و قابلیت افاده ظن را در نزد نوع و غالب مردم داشته و به لحاظ آنکه (اماره مذکور) در نزد غالب و نوع مردم، مفید ظن می‌باشد، لذا شارع مقدس، آن را معتبر و حجت قرار داده است [۶۵، ص ۳۷۳].

قانون مدنی، اماره را عبارت از اوضاع و احوال خارجی می‌داند که دلیل قانونی یا قضایی هستند و بدون آن اوضاع و احوال امر مجهول شناخته نمی‌گردد (ماده ۳۸ و ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی).

برخی نویسندگان بر این عقیده‌اند از مفاد ماده ۱۳۴۹ قانون مدنی فرانسه معلوم می‌شود؛ قانون مدنی ایران در تعریف اماره به معنای فرض توجه داشته است [۳۸، ص ۱۳۷]. فرض‌های قانونی به دو نوع تقسیم می‌شوند: فرض‌های مطلق و فرض‌های نسبی. فرض‌های مطلق با هیچ‌کدام از امارات و اصول قابل‌مقایسه نیستند با دقت در تعریف فرض حقوقی و شناخت عناصر آن [۲۶، صص ۱۷۶-۱۸۰] روشن می‌شود فرض‌های مطلق امری کاملاً خلاف واقع و غیرقابل رد می‌باشند و بناتر مصالح و منافع جامعه توسط قانون‌گذار وضع می‌شوند همانند پذیرش فرزندخوانده به‌عنوان فرزند واقعی؛ اما محل تردید درباره فرض نسبی است که برخی پژوهشگران آن را به اماره شبیه دانسته و

1. Presumption.

با آن مقایسه نموده‌اند [۵۱، ص ۱۳۱] و برخی دیگر از حقوقدانان آن را با اصل مقایسه کرده‌اند [۵۶، ص ۴۵۹].

به نظر می‌رسد فرض، نمی‌تواند همانند اماره باشد؛ چراکه اولاً: تفاوت اساسی با اماره دارد و آن این است که در فرض قانونی هیچ قرینه و نشانه‌ای که دلالت بر واقعیت داشته باشد وجود ندارد اما در اماره قراینی خاص وجود دارند که قاضی با توجه به آن‌ها حکم را صادر می‌نماید و این قراین کاشف از واقع هستند اما در فرض حقوقی همانند فرض مرگ و یا فرض بی‌گناهی که برخی نویسندگان آن را ام‌الفروض نامیده‌اند [۵۱، ص ۱۳۲] هیچ اماره و قرینه‌ای خاص وجود ندارد بلکه با لحاظ ظاهر امر که هیچ کشفی از واقعیت ندارند و می‌توان مجازاً آن را اماره عام دانست، حکم بر بی‌گناهی صادر می‌شود.

ثانیاً: کسانی که اماره را فرض می‌دانند منظورشان اماره قانونی است اما منظور از اماره در اصطلاح «اماره مجرمیت»، اماره قضایی است.

دکتر کاتوزیان درباره تفاوت مابین اماره و فرض بیان داشته است: «نباید اماره را با معنی خاص فرض قانونی، اشتباه کرد. اماره، راهی غیرمستقیم برای کشف واقع است؛ درحالی‌که فرض قانونی، نوعی مجاز حقوقی (fiction) است، ...» [۵۵، ص ۱۳۷] مقصود از اصل، همان فرض قانونی یا fiction است و مقصود از اماره، presumption می‌باشد [۵۶، ص ۴۵۹]؛ به همین دلیل فرض قانونی را به معنی دروغ قانون یا تصویر چیزی برخلاف واقعیت می‌نامند [۳۷، ج ۳، ص ۱۳۷]؛ بر این اساس، منظور از presumption، فرض حقوقی نسبی می‌باشد که در تقابل با فرض مطلق (fiction) است و circumstance و یا Indication به مفهوم اماره فقهی نزدیک‌تر است.

با توجه به مطالب بیان‌شده، در ادامه به تعریف اماره مجرمیت و کاربرد آن پرداخته می‌شود. اماره مجرمیت عبارت است از: به دلیل وجود قرینه و اماره، بدون اثبات جرم، متهم، مجرم شناخته‌شده و بار اثبات بی‌گناهی بر دوش متهم نهاده شود. منظور از اثبات جرم به معنی اثبات رکن مادی، معنوی و قانونی جرم است. بدین ترتیب مقام تعقیب، حسب مورد از اثبات رکن مادی یا معنوی جرم بی‌نیاز است و اینجاست که انقلاب دعوای کیفری حاصل می‌شود [۷]؛ از ذکر عنصر قانونی جرم خودداری می‌گردد، زیرا در صورت فقدان عنصر قانونی، قضیه سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود؛ بنابراین هرگاه قانون‌گذار عملی را جرم محسوب ننموده باشد، اساساً اثبات یا فرض عنصر مادی و معنوی آن بی‌معناست. به‌رحال بر عهده متهم است که عدم تحقق رکن مادی یا معنوی جرم، هرکدام را که قانون مفروض دانسته باشد را به اثبات رساند [۴۱، ص ۷۰].

## ۲.۲. عدول از اصل برائت در اماره مجرمیت

دلیل و مبنای اولیه و اساسی برخی حقوقدانان برای ممنوعیت جریان اماره مجرمیت، اصل ۳۷ قانون اساسی و قوانین بین‌المللی است که اهمیت بسزایی برای عمل به اصل برائت داده‌اند [۳۱، ص ۲۲۷]. دلیل دیگر، مبانی فقهی همچون قاعده درأ و اصل صحت معاملات است که مبنای عمل به اصل برائت در جرم پول‌شویی می‌باشند. اصل برائت یکی از ابتدایی‌ترین اصول حقوق کیفری می‌باشد. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نام «اصل برائت» شناخته می‌شود و هیچ‌کس را مجرم نمی‌داند مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. مقصود از اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی از دیدگاه برخی حقوقدانان همان فرض بی‌گناهی و یا داری پیشینه فرض بی‌گناهی می‌باشد [۵۱، ص ۱۴۱]؛ زیرا تلقی اصل برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی به‌عنوان اصل برائت به معنای موردنظر در اصول فقه، این تالی فاسد را می‌تواند به دنبال داشته باشد که در صورت تقابل آن با امارات در فقه، باید اماره را حاکم بر اصل برائت بدانیم و اگر قرار باشد صرفاً با اتکاء به اماره و قرینه، اعتبار اصل برائت را متزلزل نمود متهمان به‌راحتی در معرض تعقیب کیفری و محکومیت قرار خواهند گرفت [۲۷، ص ۶]. بنا به نظر برخی دیگر منظور از اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی اصل عدم در اصول فقه می‌باشد به اعتقاد برخی دیگر نیز مقصود اصل برائت در اصول فقه می‌باشد.

مفهوم به‌کاربرده شده در اصل ۳۷ قانون اساسی، برگرفته از اصل برائت فقهی است و دقیقاً مترادف با اصل برائت کیفری یا فرض بی‌گناهی متهم نیست ولی دربرگیرنده‌ی مفهوم برائت کیفری نیز هست و یکی از مستندات پذیرش فرض بی‌گناهی متهم همین اصل قانون اساسی است [۳۴، ص ۲۶۴].

اصل برائت فقهی و اصل برائت حقوقی یا فرض بی‌گناهی تفاوت‌هایی باهم دارند [۵۱، صص ۱۴۲-۱۴۸] که در زیر برخی از تفاوت‌ها ذکر می‌گردد:

اصل برائت فقهی در جهت تأمین امنیت فردی افراد می‌باشد، درحالی‌که اصل برائت حقوقی یا فرض بی‌گناهی به‌منظور تأمین امنیت فردی و اجتماعی افراد می‌باشد. مبانی مذکور برای اصل برائت در اصول فقه عبارت‌اند از آیات (آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۱۱۵ سوره توبه، آیه ۷ سوره طلاق)، روایات (حدیث رفع، حدیث سعه و حدیث حجب)، اجماع و عقل [۲۳، صص ۲۰۹-۲۱۸]؛ اما مبانی مذکور برای اصل برائت حقوقی یا فرض بی‌گناهی مواد قانونی مذکور برای اصل برائت و مبانی دیگری همچون تساوی سلاح‌ها، عرف و رویه قضایی می‌باشد.

اصل برائت به‌صورت عام می‌باشد و در همه ابواب فقهی، عبادی، حقوقی و جزایی

جاری می‌شود و هیچ اثر حقوقی و کیفری خاصی برای آن ذکر نشده است. آثار اصل برائت فقهی را می‌توان مباحثی همچون اصل عدم، اصل اباحه و یا قاعده درأ برشمرد؛ اما اصل برائت کیفری صرفاً در امور جزایی اجرامی‌شود و دارای آثار خاصی به نفع متهم می‌باشد همچون حق داشتن آزادی، حق داشتن وکیل و حق داشتن سکوت.

بدین ترتیب می‌توان گفت اصل برائتی که در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی ذکر شده است ترکیب و تلفیقی از اصل برائتی است که در فقه اسلام به‌عنوان یکی از ادله فقهاتی و اصول عملیه ذکر گردیده است و فرض بی‌گناهی است که در حقوق اروپایی به‌عنوان یکی از پایه‌های حقوق کیفری ذکر شده است چراکه مبانی آن شامل مواد قانونی، رویه قضایی و آیات و روایات می‌باشد و آثار مذکور برای فرض بی‌گناهی و اصل برائت فقهی همانند رهایی از مجازات، حق داشتن آزادی، حق داشتن وکیل و آثار دیگر اصل برائت را در بردارد.

اصل برائت دارای آثار و اصولی است و آثار مذکور در صورت به اجرا درآمدن به نفع متهم می‌باشد. برخی از آثار و اصول مذکور میان متهمی که اماره بر مجرمیت وی وجود دارد و متهمی که هیچ دلیلی بر مجرمیتش وجود ندارد مشترک می‌باشد همانند علنی بودن دادرسی (اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، حق داشتن وکیل، ضرورت مستدل بودن نظریه قضایی، اصل اطلاع از اتهام و مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲)؛ اما برخی اصول دیگر مختص متهمانی است که دلیلی بر مجرمیت آن‌ها وجود ندارد همانند حق آزادی متهم (اصل سی و دوم قانون اساسی)، حق سکوت متهم [۲۱، ص ۳۱۴؛ ۴۶، ص ۵۷۸] بی‌طرفی قضایی و ضرورت انصراف مقام قضایی از بزهکاری متهم [۴۸، ج ۱۳، ص ۴۲۷] و از همه مهم‌تر اینکه بنا بر قاعده «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي» [۳، ج ۲، ص ۱۶۳؛ ۱۵، ص ۲۲۳؛ ۱۷، ص ۲۵۱؛ ۴۸، ج ۱۳، ص ۴۸۲] بار اثبات دلیل بر دوش مدعی می‌باشد (ماده ۱۹۷ آیین دادرسی مدنی)؛ بنابراین در صورتی که اماره و دلیلی علیه متهم وجود داشته باشد این آثار دیگر به نفع متهم به اجرا در نمی‌آید بلکه آثار صورت معکوس به خود می‌گیرند همانند حق سلب آزادی متهم، عدم ضرورت انصراف ذهن مقام قضایی از بزهکاری متهم و معکوس شدن بار اثبات دلیل و بر عهده متهم بودن آن؛ بنابراین در جرایمی که دلیل قطعی بر اثبات جرم توسط متهم وجود ندارد اما به دلیل آثار سوئی که آن جرایم برای جامعه دارند باید سخت‌گیری بیشتری در مورد متهمان این‌گونه

جرایم صورت گیرد و آثار اصل برائت در مورد چنین متهمانی به صورت معکوس به اجرا درآید. پول‌شویی از جمله جرائمی است که تأثیرات سوئی بر جامعه و اقتصاد یک کشور برجا می‌گذارد و زمینه‌ساز جرایم دیگر می‌باشد. به همین علت جریان اصل برائت در آن، باعث فرار پول‌شویان از چنگال دستگاه عدالت می‌باشد؛ بنابراین بهتر است اماره مجرمیت جایگزین اصل برائت گردیده تا برخی مجاری فرار مجرمان بسته شده و مجرمان پول‌شویی که اغلب به صورت سازمان‌یافته فعالیت می‌کنند [۴۳، ص ۸۵] نتوانند از مجاری قانونی استفاده نموده و از مجازات فرار کنند.

### ۳. جریان اماره مجرمیت در پول‌شویی

از حیث تعریف مفهومی پول‌شویی به مجموعه فعل و ترک فعل‌هایی اطلاق می‌شود که برای پنهان نگاه‌داشتن ماهیت و منشأ نامشروع اموال حاصل از ارتکاب جرم انجام شود تا این اموال ظاهر قانونی به خود گرفته و پاک و مشروع جلوه داده شوند [۳۵، ص ۸۸]. ماده ۲ قانون اصلاحی قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷ نیز پول‌شویی را چنین تعریف می‌کند:

الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از جرایم با علم به منشأ مجرمانه آن.

ب- تبدیل یا مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ مجرمانه آن با علم به این‌که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به‌دست‌آمده، یا کمک به مرتکب جرم منشأ به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

ج- پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

با توجه به روش و مراحل پیچیده‌ای که تطهیر کنندگان پول طی می‌کنند، اگر منحصراً درصدد اثبات فعل مجرمانه‌ای باشیم که به‌خوبی منشأ غیرقانونی منافع روشن شود در بیشتر موارد به بن‌بست می‌رسیم. از این رو تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های بین‌المللی سعی کرده‌اند در این موارد بار اثبات را به دوش مظنون بگذارند یعنی به دولت‌های عضو پیشنهاد گردیده است که اگر با اصول حقوق داخلی خویش منطبق بدانند، شخص را ملزم به نشان دادن منشأ قانونی درآمدهای خود بکنند [۲۸، ص ۲۳].

برخی این قاعده را «تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت» نام نهاده و ابراز نظر کرده‌اند:

«از جمله مواردی که در دادرسی پیرامون جرایم سازمان یافته مورد تأکید کنوانسیون پالمو قرار گرفته است، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در اموری است که شخص، متهم به تطهیر پول یا تحصیل درآمدهای ناشی از ارتکاب جرم است» [۳۵، ص ۱۷۷]. برخی نیز اظهار داشته اند که قانون گذار در جرم پول شویی عنصر مادی جرم را مفروض می داند [۵۴، ص ۱۵۳]. اگر شواهد حقیقی بر وقوع جرم پول شویی وجود داشته باشد فرض بی گناهی نادیده گرفته می شود و بار اثبات بر علیه متهم معکوس می گردد [74, p63].

برخی نیز برخلاف نظریات پیشین اماره مجرمیت بودن پول شویی را منکر گردیده و معتقدند اگر قانون بحث پول شویی و دارا شدن بی جهت را جرم انگاری نموده و قوانین جزایی جدیدی را وضع نماید به معنای کنار گذاشتن اصل برائت یا مفروض تلقی کردن عنصر مادی جرم نیست [۳۱، ص ۲۲۷].

می توان گفت مواد قانونی که قانون گذار آن را وضع نموده ممکن است مخالف مواد قانونی دیگر که حامی اصل برائت هستند باشد؛ بدین معنا که خود مواد قانونی می توانند استثنائی بر اصل برائت باشند به عبارت بهتر اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی اصل عامی است که می تواند توسط دیگر مواد قانونی تخصیص زده شده و برخی مواد قانونی نشانگر اماره مجرمیت و تسهیل بار اثبات دلیل در موارد مشکوک باشند (تبصره ۳ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پول شویی) و این تخصیص به اعتبار اصل ۳۷ لطمه ای وارد نمی کند.

– امارات و قرینه ها در قانون پول شویی

مقصود از قرینه ها، علائم و قرائنی هستند که با مشاهده آنها، احتمال داده می شود که جرم پول شویی در حال رخ دادن است و بنابراین می توان با متهمین پرونده به صورت قانونی و قضایی برخورد کرد. در برخی موارد این قرینه باید نشانگر ظن باشد و برخی دیگر قرینه باید نشانگر ظن قوی برای رسیدن به نتیجه و اثبات جرم و ظن نزدیک به علم باشد (تبصره ۱ ماده ۱ قانون اصلاحی قانون مبارزه با پول شویی مصوب ۹۷).

بند پ ماده ۷ قانون اصلاحی مصوب ۹۷ مقرر می دارد اشخاص، نهادها و دستگاه های مشمول باید گزارش معاملات، عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه گذاری و مانند آنها را ارائه نمایند.

تبصره ماده ۷ همان قانون مقرر می دارد: معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنهاست که بر اساس اوضاع احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به طور متعارف ظن



وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر اینکه معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب‌رجوع به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد یا کشف جعل، اظهار کذب و یا گزارش خلاف واقع از سوی ارباب‌رجوع قبل یا بعد از آنکه معامله‌ای صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه، انجام معاملات صوری، معاملات مالی بیش از سقف مقرر و واقع‌شدن اقامتگاه معامله‌کننده در مناطق پرخطر به لحاظ وقوع جرم پول‌شویی.

موارد مذکور برخی از مصادیق امارات و از باب تمثیل هستند و هر قرینه‌ای که نشان از پول‌شویی داشته باشد و سبب علم قاضی به ارتکاب جرم پول‌شویی گردد اماره قضایی محسوب می‌شود و باید تحت پیگرد قانونی و قضایی قرار گیرد.

#### ۴. مبانی فقهی اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی

استدلال دیگری که مخالفین اعمال اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی و موافقین عمل به اصل برائت دارند این است که برای جریان اماره مجرمیت در فقه اسلامی مبنا و دلیلی وجود ندارد. برای پاسخ دادن به این استدلال ابتدا مبنای واژه اماره در فقه و دلیل عمل به آن به صورت جزئی بررسی می‌شود و سپس به مبانی اماره مجرمیت به تفصیل پرداخت می‌گردد.

تعریف اماره مجرمیت؛ یعنی حکم مجرمیت دادن به متهم بر اساس اماره ظنی است. روشن است که ظن به تنهایی نمی‌تواند ملاک حجیت اماره باشد، چراکه خداوند فرموده: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»<sup>۱</sup> و «قُلْ أَللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ»<sup>۲</sup>. از آیه اخیر استفاده می‌شود اگر بدون اذن خداوند حکمی را به او نسبت دهیم، بر خداوند افترا بسته‌ایم. از سویی، تمسک به اماره ظنی برای اثبات حکم خداوند، نسبت دادن حکم به اوست که اگر بدون اذن او باشد، افترا بر خداوند خواهد بود. در مباحث قبلی گفته شد که اماره ظنی در صورتی معتبر است که شارع آن را تأیید نموده باشد.

در اماره‌هایی که شارع اعتبار آن‌ها را تأیید نموده است سؤال می‌شود که چرا با آنکه اماره ممکن است خطا کند، شارع ما را موظف به تحصیل علم نکرده است؟ آیا این کار به منزله اذن در تفویض مصلحت واقع بر مکلف نیست؟ در پاسخ گفته می‌شود اذن شارع به پیروی از اماره ممکن است به خاطر یکی از دو امر زیر باشد:

۱. سوره نجم/ آیه ۲۸ و سوره یونس/ آیه ۳۶.

۲. سوره یونس/ آیه ۵۹.

الف) موارد مطابقت اماره با واقع به اندازه یا بیشتر از موارد مطابقت علمی باشد که تحصیل آن برای مکلف مقدور است.

ب) موظف کردن مکلف به تحصیل علم در صورت عدم امکان آن، موجب تضییق و مشقت بر ایشان می‌گردد.

به اعتقاد برخی نویسندگان شارع به خاطر تسهیل راه رسیدن به احکام، که از مصالح نوعی و مقدم بر مصالح شخصی است اماره را حجت دانسته است [۶۵، ص ۳۹۸]. نفس دلیل حجیت اماره، یعنی بناء عقلاء، دلیل بر مرجح بودن هر مزیتی است که نوعاً موجب نزدیک‌تر بودن اماره به واقع می‌شود [۶۵، ص ۵۵۹].

در زمینه فقهی می‌توان دلایلی را برشمرد که به واسطه آن‌ها می‌توان حکم جریان اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی را دریافت نمود. یکی از ادله ذکر شده تقدم اماره بر اصل و در نتیجه تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می‌باشد. این دلیل در مواردی می‌تواند به عنوان مبنا به کار گرفته شود که مقصود از اماره در «اماره مجرمیت»، اماره در اصطلاح فقهی باشد نه فرض مجرمیت؛ و مقصود از اصل در «اصل برائت»، اصل در اصطلاح فقهی باشد نه فرض بی‌گناهی.

#### ۱.۴. تقدم اماره بر اصل

هرگاه دلیل روشنی بر حکمی دلالت کند، شکی نیست که اصول عملی مخالف با آن جاری نمی‌شود و اگر دلیل، قطعی باشد، این امر روشن است؛ زیرا در این حال وارد بر اصول عملی مخالف خواهد بود [۴۲، ج ۲، ص ۲۹۴]؛ اما در صورتی که دلیل، اماره ظنی مانند خبر ثقه باشد، باز هم شکی نیست که بر اصل مقدم می‌گردد [۴، ج ۳، ص ۴۹۰]. زیرا اماره کشف از واقع می‌باشد هرچند کشفیت ناقصی دارد و این نقصان به دلیل تائید شارع نادیده گرفته می‌شود اما در چگونگی این تقدیم و تفسیر آن بحث است؛ زیرا در تقدیم اماره ظنی بر اصل عملی اشکال می‌شود به این‌که اماره از آنجا که ظنی است، حقیقتاً شک را نفی نمی‌کند و موضوع دلیل اصل، که عبارت باشد از: «شک» همچنان باقی است [۶۱، ج ۳، ص ۹۰].

برخی تقدم اماره بر اصل را ناشی از حکومت<sup>۱</sup> و جایگزینی اماره بر اصل [۴، ص

۱. حکومت عبارتست از اینکه: وقتی دو دلیل در مقابل هم قرار می‌گیرند، یکی از آن دو دلیل در موضوع دلیل دیگر تصرف کرده و دائره موضوع دلیل محکوم را یا توسعه داده و یا تضییق می‌کند، لکن اصل موضوع را از بین نمی‌برد.

۴۹۱؛ ۸، ج ۱، ص ۵۰۲؛ ۴۲، ج ۴، ص ۲۴۱] و برخی نیز ناشی از ورود<sup>۱</sup> [۲۴، ص ۴۳۸؛ ۴۹، ج ۴، ص ۱۰۶؛ ۶۵، ص ۵۵۶] دانسته‌اند و گروهی نیز قائل به جمع عرفی بین ادله و تخصیص شده‌اند [۶۸، ص ۳۵۰].

بنابراین در امور کیفری اگر نسبت به جرمی شک وجود داشته باشد که محل اجرای اصل برائت می‌باشد و نسبت به همان ظن وجود داشته باشد که محل اجرای اماره می‌باشد اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌شود. جرم پول‌شویی یکی از جرایمی است که اماره مجرمیت در آن جاری می‌شود. در تبصره ماده ۷ قانون اصلاحی قانون مبارزه با پول‌شویی قرائن و اماراتی ذکر گردیده‌اند که نشانگر این هستند که در صورت وجود چنین قرائنی می‌توان آثار اماره مجرمیت را در مورد متهمان اعمال نمود؛ بنابراین هم قرینه و اماره ظنی هستند و هم اینکه شارع و قانون‌گذار اعتبار قرائن را تأیید نموده است؛ در نتیجه در صورت وجود امارات و قرائن، اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌شود.

#### ۲.۴. تعمیم حکم از طریق تنقیح مناط

تعمیم حکم از طرق متعددی همانند تنقیح مناط، الغاء خصوصیت و قیاس می‌تواند انجام پذیرد. تنقیح مناط یکی از روش‌هایی که بسیاری از فقها و اصولیین برای استنباط و تعمیم حکم بدان استناد نموده‌اند [۸، ج ۱، ص ۴۸-۳، ص ۳۴۲؛ ۹، ص ۱۴۱۵، ص ۶۰؛ ۱۰، ج ۲، ص ۷۱؛ ۱۱، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ۵۷، ج ۱، ص ۲۲۲؛ ۵۲، ج ۲، ص ۱۰۴؛ ۶۱، ج ۷؛ ص ۳۸۳]. یکی از روش‌هایی که می‌توان بدان استناد جست و حکم اعمال مجرمیت را در جرم پول‌شویی اثبات نمود تنقیح مناط است.

تنقیح در لغت به معنای تهذیب و تمییز است و کلام مُنْقَح، کلامی است که حشو و زائد در آن نباشد [۲، ج ۲، ص ۶۲۴]. همچنین مناط به معنای جای آویختن از ریشه نوط به معنای آویختن است [۲، ج ۷، ص ۴۱۸؛ ۵۰، ج ۲، ص ۶۲۰] و مجازاً به معنای علت به کار می‌رود [۲۹، ج ۵، ص ۲۵۵].

تنقیح مناط یعنی پاک کردن علت حکم و تعمیم دادن آن [۶۴، ص ۲۵۷]. در اصطلاح فقیهان، مقصود از تنقیح مناط، الحاق فرع به اصل به واسطه الغای فارق و کشف عدم دخالت این فارق در حکم است [۴۰، ص ۱۸۴].

۱. ورود عبارت است از اینکه: وقتی دو دلیل در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، وجود یکی از آن دو، موضوع دلیل دیگر را، مرتفع کرده، از بین ببرد.

تنقیح مناط، در جایی مطرح می‌گردد که شارع حکم واقعهای و مناط آن را بیان نموده و همراه بیان مناط آن، اوصافی را ذکر نموده که مجتهد یقین دارد بعضی از این اوصاف در تعلق حکم به موضوع و یا واقعه دخالت ندارد، به همین دلیل از راه شناسایی و حذف آنها، مناط حقیقی حکم شارع را به دست آورده و از این طریق دامنه حکم را گسترش می‌دهد و موضوعات دیگری را که در مورد آن نص وارد نشده است، در تحت آن داخل می‌نماید [۶۴، ص ۳۶۶].

قسامه یکی از مهم‌ترین مباحثی است که می‌توان برای استخراج مناط معکوس شدن بار اثبات دلیل و جریان اماره مجرمیت از آن بهره برد. در بحث قسامه بار اثبات دلیل بر عهده متهم گذاشته شده است [۱۳، ص ۷۳۷؛ ۲۰، ج ۲، ص ۲۱۹؛ ۴۷، ج ۲۹، ص ۱۵۳] و چنانچه متهم نتواند بی‌گناهی خود را ثابت نماید باید از عهده مجازات قصاص یا پرداخت دیه برآید (ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی). با توجه به اهداف دین اسلام از وضع قسامه که در روایات ذکر گردیده است مهم‌ترین هدف، نجات انسان‌ها و امنیت جامعه ذکر گردیده است [۱۲، ج ۳۱، ص ۳۲۳؛ ۴۷، ج ۲۹، ص ۱۵۱؛ ۴۷، ج ۲۷، ص ۲۳۵]. روش استفاده از تنقیح مناط، این است که جرائمی که امنیت جامعه را خدشه‌دار می‌سازند و به لحاظ زیان‌های وارده، برابر و یا بیشتر از قتل بر جامعه آسیب وارد نمایند تشخیص داده شوند و با سنجش اهمیت جرائم، جرائمی که در آنها این ملاک یافت می‌شود شناسایی گردد و در صورت عدم جرم‌انگاری، جرم‌انگاری گردد و همان‌طور که در قسامه به علت اهمیت جرم و تأمین امنیت، اصل برائت نقض گردیده و اماره مجرمیت جایگزین آن شده است در جرایم مهم همانند پول‌شویی نیز با توجه به جرایم منشأ همانند قاچاق مواد مخدر، تروریسم، قاچاق انسان و اسلحه و... که آسیب‌های بسیاری بر جان انسان‌ها و امنیت جامعه وارد می‌کنند اصل برائت در برخی آثار خود معکوس گردد. در بحث تنقیح مناط از جریان اماره مجرمیت در قسامه کمک گرفته می‌شود. سؤالی که در این بخش از تحقیق مطرح می‌گردد این است که آیا در قسامه اماره مجرمیت اعمال شده است؟ شیوه جریان اماره مجرمیت در قسامه به چه صورتی می‌باشد؟

#### ۴.۲.۱. اماره مجرمیت در قسامه

در بحث قسامه با دو عنوان به تحلیل اماره مجرمیت پرداخت می‌شود. بحث اول تحلیل مفهوم لوث یا اماره در قسامه است که با توجه به اماره به مجرمیت و قاتل بودن متهم

توسط قسامه حکم داده می‌شود. بحث دوم در رابطه با کیفیت اجرای قسامه است که نحوه اجرای قسامه نشانگر جریان اماره مجرمیت می‌باشد.

#### ۴. ۱. ۲. ۱. لوث در قسامه

لوث در لغت به معنای تیره و کدر کردن، پوشاندن، بازداشتن و بند کردن [۳۳، ص ۱۸۴۱] است. گروهی از فقها لوث را به معنای ایجاد ظن دانسته‌اند [۱۸، ج ۵، ص ۴۷۵]. هم‌چنین شیخ طوسی لوث را تهمتی دانسته است که به سبب نشانه‌های ظاهری علیه مدعی علیه وجود دارد [۴۵، ج ۵، ص ۳۰۳]؛ اما اکثریت فقها لوث را به معنای ایجاد ظن غالب برای قاضی یا حاکم دانسته‌اند [۱۹، ص ۱۹۷؛ ۲۲، ج ۴، ص ۲۰۷؛ ۴۸، ج ۱۵، ص ۱۹۶].

از دیدگاه متفکران علم فقه ثبوت و وجود لوث در قسامه امری ضروری است و بدون وجود آن قسامه را ثابت نمی‌دانند [۱۹، ج ۵، ص ۴۷۵؛ ۶۰، ج ۵، ص ۴۲۲؛ ۶۹، ج ۴۲، ص ۲۳۸]. در ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی قسامه در صورت وجود لوث برای شاکی و متهم ثابت دانسته شده است؛ بنابراین اگر لوثی وجود نداشته باشد باید با اجرای اصل براءت، متهم را از ایراد اتهام علیه وی بری دانست.

مواد ۲۳۹-۲۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ برخی از موارد مثبت لوث را از باب مثال برشمرده بود اما قانون مجازات مصوب ۹۲ با تصویب مواد ۳۱۴-۳۱۶ و با حذف قرائن، تنها قرینه را حصول ظن برای قاضی قرار داده است و تفاوتی میان ابزارهای حصول ظن قرار نداده است. البته قانون قاضی را موظف به ذکر قرینه‌ای که منجر به ایجاد ظن شده نموده است (ماده ۳۱۶ ق.م.ا) در این خصوص برخی فقها معتقدند اصناف لوث قابل احصا نیست و تمثیل فقها، یا تبعیت نص و یا بیان اوضح مصادیق است [۶۰، ج ۵، ص ۴۲۲]. با تأمل در مطالب گفته شده خواه قرائن و امارات را موضوعی بدانیم و خواه آن‌ها را طریقی بدانیم که در قانون ذکر نشده و تشخیص آن به عهده قاضی نهاده شده است (اماره قضایی)، این امر نشانگر تأیید و اعتبار بخشیدن به امارت ظنی توسط شارع و قانون‌گذار می‌باشد. تبصره ماده هفت قانون اصلاحی قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷ نیز مصادیقی را برای امارات و قرائن بیان می‌دارد که موضوعیت ندارند بلکه تمثیل برای اماره هستند و هرگاه در جرم پول‌شویی، قاضی با قرائن ذکر شده و یا هر قرینه دیگری روبرو شود که به تشخیص قاضی، اماره است و سبب علم قاضی به ارتکاب جرم پول‌شویی می‌شود می‌تواند حکم به اعمال اماره مجرمیت دهد.

#### ۲.۱.۲.۴. کیفیت اجرای قسامه

در دعاوی دیگر غیر از قسامه با توجه به قاعده «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَ الْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ» ارائه دلیل بر عهده مدعی می‌باشد؛ ولی در قسامه برخلاف قاعده، ارائه دلیل بر عهده متهم می‌باشد [۴۷، ج ۲۹، ص ۱۵۲؛ ۵۸، ج ۷، ص ۳۶۱؛ ۵۳، ج ۲، ص ۵۴۱؛ ۷۰، ج ۱۷، ص ۲۰۰]. کیفیت اجرای قسامه به این صورت است که ابتدا از متهم درخواست ارائه دلیل بر بی‌گناهی می‌شود و بدین ترتیب اصل برائت به وضوح نقض شده و اماره مجرمیت جاری می‌شود. اگر متهم بتواند دلیل یا بینه ارائه دهد، بری شده، پرونده مختومه می‌شود؛ اما اگر نتوانست بر بی‌گناهی خود دلیل بیاورد از مدعی درخواست می‌شود که برای اثبات ادعایش، قسامه را جاری کند؛ اگر مدعی قسامه را اجرا کرد ادعایش اثبات می‌شود [۱۵، ص ۲۲۳؛ ۶۹، ج ۴۲، ص ۲۴۶]. اگر مدعی قسامه را اجرا نکند و به متهم نیز رد نکند متهم در صورت عمدی بودن جرم با قرار اخذ تأمین آزاد می‌شود و در جرائم خطائی بدون اخذ تأمین آزاد می‌شود. قرار اخذ وثیقه و آزادی مشروط تا سه ماه می‌باشد پس از سه ماه اگر مدعی قسامه را اجرا نکند متهم بری شده و آزاد می‌گردد (ماده ۳۱۸ ق.م.ا). اگر مدعی قسامه را به متهم رد کند متهم یا قسامه را اجرا می‌کند و از جرم نسبت داده شده بری می‌شود و یا دیه بر عهده وی ثابت می‌شود (ماده ۳۱۹ ق.م.ا)؛ بنابراین در سه بخش اصل برائت نادیده گرفته می‌شود: ۱- در ابتدا از متهم درخواست دلیل بر بی‌گناهی می‌شود. ۲- از متهم بدون وجود دلیل و صرفاً به دلیل وجود لوث ظنی، اخذ تأمین می‌شود. ۳- در نهایت بدون وجود دلیل قطعی و حتی عدم اقامه قسامه توسط اولیاء دم درخواست پرداخت دیه از متهم می‌شود.

#### ۳.۴. قیاس اولویت یا مفهوم موافق

با دقت در روایات باب قسامه مشاهده می‌گردد هدف از جریان اماره مجرمیت در صورت وجود لوث در قسامه این است که انسان‌ها بترسند و دیگری را به قتل نرسانند تا در جامعه امنیت برقرار گردد [۱۲، ج ۳۱، ص ۳۲۳؛ ۴۷، ج ۲۹، ص ۱۵۱؛ ۴۷، ج ۲۷، ص ۲۳۵]. با دقت در متن روایات روشن می‌شود که مبانی حقوقی که برخی نویسندگان [۶؛ ۷؛ ۲۶] به آن‌ها اشاره نموده‌اند همانند امنیت گرایی، حفظ منافع و مصالح جامعه و توجه به اوضاع و احوال مبنای فقهی دارند و در احادیث بر آن‌ها تأکید گردیده است. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا قتل یک انسان در امنیت جامعه نقش مهم‌تری ایفا می‌کند یا جرایمی همانند جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی و یا پول‌شویی نقش

مهم‌تری دارند و امنیت و اقتصاد جامعه را دچار اختلال می‌کنند. پرواضح است که جرایم دسته دوم اهمیت بیشتری دارند و آسیب‌های بسیاری برای جامعه به‌جا می‌گذارند؛ بنابراین به‌طریق‌اولی باید اماره مجرمیت در مورد آن‌ها به اجرا درآید تا بتواند نقش پیشگیرانه در وقوع چنین جرایمی داشته باشد. جرم پول‌شویی هرچند در نگاه اول جرم اقتصادی به نظر می‌رسد؛ اما همانطور که پیش‌تر بیان‌شده است آنچه آسیب‌ها و مضرات بسیاری را به بار می‌آورد جرایم زمینه‌ساز جرم پول‌شویی است که در اغلب موارد جرم سازمان‌یافته بوده و ناشی از قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و اعضای بدن انسان بوده و بدین ترتیب مشاهده می‌شود که هم با جان انسان‌ها سروکار دارند و هم امنیت جامعه را بر هم می‌زنند و هم جرم پول‌شویی خود زمینه‌ساز و مشوق جرایم دیگر نیز می‌باشد.

#### ۴.۴. بناء عقلاء

باتوجه به اهمیت بسیاری که برخی جرایم به خاطر آثار زیانبارشان، دارند در صورتی‌که نشانه‌های ظنی بر وقوع جرایم مذکور از طرف متهم وجود داشته باشد با اعمال اصل براءت، مجرم‌ان به‌آسانی می‌توانند از مجازات‌های پیداکننده ولی بناءعقلاء بر این دلالت می‌کند که در چنین مواردی با اعمال اماره مجرمیت و عدول از اصل براءت از وقوع جرایمی همانند پول‌شویی و جرایم علیه امنیت عمومی کاسته شود. همچنین بناء عقلاء تأییدکننده عمل به اماره و حکم دادن بر اساس آن می‌باشد [۲۵، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ۶۵، ص ۴۰۰].

#### ۵. نتیجه‌گیری

- ۱- مقصود از اماره در اماره مجرمیت، چنانچه برخی نویسندگان گفته‌اند فرض نمی‌باشد؛ زیرا عناصر فرض حقوقی در مورد اماره صدق نمی‌کند و اماره به معنای لغوی و مفهومی که در فقه گفته‌شده است نزدیک‌تر است.
- ۲- مقصود از اماره مجرمیت این است که آثار اصل براءت نقض می‌شود. آثار اصل براءت همانند بار اثبات ادعا برعهده مدعی بودن، حق داشتن آزادی، حق داشتن سکوت، مستدل بودن نظریه قضایی و دیگر آثار اصل براءت دیگر به نفع متهم به اجرا در نمی‌آید و متهم باید بی‌گناهی خود را اثبات نماید.
- ۳- استفاده از اصل براءت و اصل صحت معاملات که برخی حقوقدانان قائل به آن

شده‌اند و منتقد جریان اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی شده‌اند با توجه به مضرات بسیاری که جرم پول‌شویی برای جامعه به بار می‌آورد صحیح به نظر نمی‌رسد به‌ویژه با توجه به اینکه در فقه اسلامی نیز مصادیقی همانند قسامه و فراخواندن شبانه از منزل وجود دارد که نشانگر اعمال اماره مجرمیت در برخی جرایم می‌باشد. برای اعمال اماره مجرمیت در جرم پول‌شویی مبانی و دلایل فقهی در اصول فقه همانند تقدم اماره بر اصل، تعمیم حکم از طریق تنقیح مناط، قیاس اولویت و بناء عقلا وجود دارد.

۴- قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نه با تکیه بر قوانین کشورهای بیگانه و نه با تکیه بر قوانین بین‌المللی که در برخی موارد در تعارض با مصالح و منافع داخلی قرار بگیرد بلکه با تکیه بر مبانی فقهی-اسلامی باید در مبارزه با جرم پول‌شویی که روزبه‌روز بر تعداد مرتکبین آن افزوده می‌شود تلاش بیشتری داشته باشد و همان‌طور که در قانون اصلاحی قانون مبارزه با پول‌شویی به‌صراحت بر اعمال اماره مجرمیت تأکید شده است در عمل نیز با اعمال آن از گسترش این جرم در جامعه پیشگیری به عمل آورد.

### منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان‌العرب*، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- [۳]. اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی (۱۴۲۳ ق)، *فقه‌القضاء*، چاپ دوم، قم.
- [۴]. اسلامی، رضا (۱۳۸۷)، *قواعد کلی استنباط*، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب.
- [۵]. اشکنانی، محمدحسین (۱۳۸۰)، *دروس فی اصول‌الفقه*، چاپ اول، قم، نشر باقیات.
- [۶]. اکبری، بهنام؛ انصاری مقدم، حامد (۱۳۹۱)، *اماره قانونی در حقوق کیفری*، نشریه دانش و پژوهش حقوقی، دوره اول، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۴۳-۱۸۱.
- [۷]. اکبری، عباسعلی؛ الممیر، محمود؛ پوریافرانی، حسن (۱۳۹۶)، *مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت، فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص ۱-۲۹.
- [۸]. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۲۸ ق)، *فرائد‌الاصول*، چاپ نهم، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
- [۹]. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ ق)، *کتاب‌الخمس*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- [۱۰]. آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر (۱۴۰۳ ق)، *القواعد‌الفقهیه*، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی (ره).
- [۱۱]. بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۶ ق)، *تبیان‌الصلاه*، قم، گنج عرفان للطباعة و النشر.



- [۱۲]. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۹ق)، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی و صبوری، محمدحسین، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- [۱۳]. بغدادی، مفید، محمدبن نعمان عکبری (۱۴۱۳)، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.
- [۱۴]. تبریزی، جوادبن علی (۱۴۲۶ق)، تنقیح مبانی الأحكام - کتاب القصاص، چاپ دوم، قم، دارالصدیقة الشهیده سلام الله علیها.
- [۱۵]. تبریزی، جوادبن علی (?)، أسس القضاء و الشهادة، قم، دفتر مؤلف.
- [۱۶]. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و یکم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- [۱۷]. حائری، سیدکاظم حسینی (۱۴۱۵ق)، القضاء فی الفقه الإسلامی، چاپ اول، قم، مجمع اندیشه اسلامی.
- [۱۸]. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- [۱۹]. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۲۰]. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلی أحكام الایمان، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۱]. حلی، فخرالمحققین، محمدبن حسن بن یوسف (۱۴۲۲ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الامامیه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق.
- [۲۲]. حلی، محقق، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۳]. حیدری، علی نقی (۱۴۱۲ق)، اصول الاستنباط، چاپ اول، قم، لجنه اداره الحوزة العلمیه.
- [۲۴]. خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۲۵]. خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق)، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۶]. دلشاد، ابراهیم (۱۳۸۸)، ماهیت و اثر فرض حقوقی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان، صص ۱۷۳-۱۹۰.
- [۲۷]. رحمدل، منصور (۱۳۸۷)، بار اثبات در امور کیفری، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- [۲۸]. زارع قاجاری، فردوس و قائم مقامی، علی (۱۳۹۲)، استانداردهای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، تهران، نشر تاش.

- [۲۹]. زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۳ق)، *البحرالمحیط فی اصول الفقه*، به نقل از ابن دقیق العید، کویت، چاپ عبدالستار ابوغده.
- [۳۰]. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری اقتصادی*، چاپ سوم، انتشارات جنگل، تهران.
- [۳۱]. سلیمی، صادق (۱۳۹۱)، *جنایات سازمان یافته فراملی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
- [۳۲]. سمیعی، جمشید (۱۳۸۷)، *ترجمه متن و شرح کامل رسائل شیخ نصاری*، چاپ چهارم، اصفهان، خاتم الانبیاء.
- [۳۳]. سیاح، احمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اسلام.
- [۳۴]. شاملو، باقر (۱۳۸۳)، *اصل برائت در نظامهای نوین دادرسی*، مجموعه مقالات علوم قضایی، تهران، انتشارات سمت.
- [۳۵]. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، *سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین الملل*، رساله دکترا، دانشکده علوم سیاسی و حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
- [۳۶]. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۱)، *اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری*، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۸۸-۶۵.
- [۳۷]. شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، *آیین دادرسی مدنی*، چاپ ششم، تهران، انتشارات دراک.
- [۳۸]. شیخ نیا، امیرحسین (۱۳۷۳)، *دله اثبات دعوی*، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
- [۳۹]. شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷ق)، *استفتاءات جدید*، چاپ دوم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- [۴۰]. صابری (۱۳۸۱)، *عقل و استنباط فقهی*، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- [۴۱]. صدارت. علی (۱۳۴۰)، *جزا و جرم شناسی*، تهران، کانون معرفت.
- [۴۲]. صدر، محمد باقر (۱۴۰۵ق)، *دروس فی علم الأصول*، چاپ اول، بیروت، طبع دار المنتظر.
- [۴۳]. صفدری، اکبر (۱۳۹۳)، *پول شویی و مبارزه با آن در مؤسسات خدماتی، تولیدی و تجاری*، چاپ اول، تهران، انتشارات افق بی پایان.
- [۴۴]. الطریحی، شیخ فخرالدین (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرین*، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۴۵]. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۶]. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۴۲۸ق)، *الخلاف*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۴۷]. عاملی، حرّ، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۴۸]. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.

- [۴۹]. عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۷ق)، *نهایة‌الأفکار*، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۵۰]. فیومی، احمد بن محمد مقری (?)، *المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی*، چاپ اول، قم، منشورات دارالرضی.
- [۵۱]. قربانی، علی؛ موحدی، جعفر (۱۳۹۰)، اصل برائت در اندیشه فقهی و فرض بی‌گناهی در اندیشه اروپایی، *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره بیست و ششم، زمستان ۹۰، صص ۱۲۷-۱۵۲.
- [۵۲]. قریشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- [۵۳]. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶ق)، *علل الشرائع*، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
- [۵۴]. قنبری، حمیرا (۱۳۸۳)، *اصل برائت و اماره مجرمیت*، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- [۵۵]. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، ماهیت و اثر اماره حقوقی، *مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۶۴، صص ۱۲۵-۱۵۴.
- [۵۶]. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *اثبات و دلیل اثبات*، چاپ ششم، تهران، میزان.
- [۵۷]. کرمانشاهی، آقامحمد علی بن وحید بهبهانی (۱۴۲۱ق)، *مقام‌الفضل*، چاپ اول، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی.
- [۵۸]. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۴۰۷ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- [۵۹]. گل‌خندان، سمیرا (۱۳۸۳)، *بررسی تطبیقی اصل برائت و استثنائات آن در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- [۶۰]. گیلانی، فومنی، محمدتقی بهجت (۱۴۲۸ق)، *استفتاءات*، چاپ اول، قم، دفتر حضرت آیه‌الله بهجت.
- [۶۱]. محمدی، علی (۱۳۸۷)، *شرح رسائل*، چاپ هفتم، قم، دارالفکر.
- [۶۲]. محمدی، علی (?)، *شرح اصول استنباط*، چاپ سوم، دارالفکر، قم.
- [۶۳]. مرتضوی، مسعود (۱۳۸۸)، *اصل برائت در نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۶۴]. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۶۵]. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، *أصول الفقه*، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب.
- [۶۶]. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹)، *فرهنگ اصطلاحات اصول*، چاپ اول، قم، نشر عالمه.
- [۶۷]. موحدی، جعفر (۱۳۹۱)، *معکوس کردن بار اثبات دلیل در آئین دادرسی کیفری*، مجد، تهران.
- [۶۸]. موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۷)، *استصحاب شرح کفایة‌الأصول*، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- [۶۹]. نجفی، صاحب‌الجواهر، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۷۰]. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- [۷۱]. ولایی، عیسی (۱۳۸۷)، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- [۷۲]. یزدانی، محمد مهدی و صابری، حسین (۱۳۸۹)، *تعمیم حکم به استناد کشف علت از دیدگاه امام خمینی، پژوهش‌های فقهی*، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- [۷۳]. یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶)، *قواعد فقه*، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- [74]. Donald A. Gillies, 1956, The Presumption Of Innocences For Speeding Violations, *Journal Of Criminal Law And Criminology*, Volome 47, Issue 1.

